

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سلسله احكام اسلام ۴



بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على
رسول الله و على آله و اصحابه الى يوم الدين و
اما بعد :

ایلاء و احكام آن

۱- **تعریف ایلاء:** ایلاء عبارت است از اینکه شوهر بنام خدا سوگند یاد می کند مبنی بر اینکه به مدت بیش از چهار ماه با همسرش آمیزش جنسی نکند.

اگر کسی قسم بخورد که به مدت کمتر از چهار ماه با همسرش نزدیکی نکند بهتر آن است که کفاره سوگندش را بدهد و با او نزدیکی کند، به دلیل فرموده پیامبر صلی الله علیه وسلم : (**من حلف على يمين فرأى غيرها خيرا منها فليأت الذي هو خير و ليكفر عن يمينه**) «هر کس بر انجام دادن کاری قسم بخورد، سپس ببیند که انجام دادن غیر آن بهتر است، در اینصورت باید کاری را که خیر بیشتری دارد انجام داده و به خاطر سوگندش کفاره دهد». مسلم

اگر نخواست کفاره دهد لازم است صبر کند تا مدتی را که معین کرده سپری شود چون : (**آلى رسول الله صلى الله عليه وسلم من نسائه، و كانت انفكت رجله فأقام فى مشربة له تسعا و عشرين، ثم نزل فقالوا : يا رسول الله آليت شهرا؟ فقال : الشهر تسع و عشرون**) «پیامبر صلی الله علیه وسلم سوگند یاد کرد که (یک ماه) با زنانش نزدیکی نکند، و در حالیکه پاهایش آسیب دیده بود در یکی از غرفه هایش بیست و نه روز باقی ماند سپس نزد زنانش رفت، گفتند ای رسول

خدا شما سوگند یک ماه خوردی؟ فرمود : ماه بیست و نه روز است». بخاری
اما اگر سوگند خورد که تا ابد یا مدتی بیشتر از چهار ماه بازنش همبستر نشود چنانچه کفاره دهد و با او همبستر شود چه بهتر، در غیر اینصورت تا سپری شدن چهار ماه به او فرصت داده می شود، سپس همسرش از او تقاضای همبستری یا طلاق کند؛

۲- **حکم ایلاء:** ایلاء به مدت کمتر از چهار ماه بمنظور تنبیه و تادیب همسر جایز است. خداوند می فرماید: ﴿ **لِّلَّذِينَ يُؤْلُونَ مِن نِّسَائِهِمْ تَرْتُّصٌ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ فَإِنْ فَاءُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ** ﴾ (البقرة: ۲۲۶). «آنانی که با همسران خود ایلاء می کنند، به مدت چهار ماه انتظار کنند، اگر (در مدت چهار) رجوع کردند، خداوند بخشنده و مهربان است». و رسول اکرم صلی الله علیه وسلم به مدت یک ماه تمام، با همسران خود ایلاء کرده است. اگر منظور از ایلاء فقط ضرر رساندن به همسر باشد نه تادیب، آنگاه ایلاء حرام است. رسول الله صلی الله علیه وسلم می فرماید: « **أنا ضراة** » (احمد و ابن ماجه).

۳- احكام ایلاء:

۱- اگر مدت ایلاء (چهار ماه) به پایان رسید و شوهر مجامعت نکرد، و همسر، نزد قاضی شاکی شد، شوهر دو راه در پیش دارد: رجوع کند یا طلاق دهد.

خداوند می‌فرماید: ﴿فَإِنْ فَاءُ فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ

البقرة: ۲۲۶﴾. ﴿وَإِنْ عَزَمُوا الطَّلَاقَ فَإِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ

عَلِيمٌ﴾ (البقرة: ۲۲۷). اگر رجوع شود، خداوند بخشنده

و مهربان است و اگر قصد طلاق شود، خداوند شنوا و دانا

است. در بخاری، از ابن عمر ب مروی است، می‌فرماید:

«إِذَا مَضَتْ أَرْبَعَةُ أَشْهُرٍ يَوْفَقَ حَتَّى يُطَلَّقَ

۲- هر گاه شوهر ایلاء کننده از دادن طلاق خودداری

کند، حاکم بمنظور دفع ضرر از همسر حکم طلاق را باید

صادر کند.

۳- اگر شوهر ایلاء کننده بعد از خودداری از طلاق،

طلاق دهد، یک طلاق محسوب می‌شود، اگر یکی باشد،

رجعی است و اگر طلاق بائن داده است، بائن محسوب

می‌شود و شوهر بدون عقد جدید، حق مراجعت ندارد.

۴- مطلقه ایلاء باید عدت طلاق را بگذارند، سپری کردن

یک حیض کافی نیست. زیرا عدت فقط بخاطر تعیین

فراغت رحم نیست.

۵- اگر شوهر بدون ایلاء و سوگند به مدت چهار ماه

آمیزش جنسی را با همسرش ترک کند، حکم ایلاء را

دارد، در صورت شکایت یا طلاق بدهد یا آمیزش جنسی

را انجام دهد.

۶- هر گاه شوهر ایلاء کننده قبل از پایان مدتی که در آن

نسبت به عدم آمیزش جنسی سوگند خورده است، آمیزش

جنسی را انجام دهد، کفاره یمین بر وی واجب می‌شود.

رسول‌الله صلی الله علیه وسلم می‌فرماید: «إِذَا حَلَفْتَ

عَلَى يَمِينٍ فَرَأَيْتَ غَيْرَهَا خَيْرًا مِنْهَا فَأَتَيْتَ الذَّيَّ

هُوَ خَيْرٌ وَكَفَّرَ عَنْ يَمِينِكَ» (متفق علیه). «هر گاه به

انجام یا عدم انجام کاری سوگند یاد کردی و عکس آن را

بهتر یافتی، پس آن را که بهتر است انجام بده و بعد کفاره

سوگندت را ادا کن».

لعان و احکام آن

۱- **تعریف لعان:** لعان این است که شوهر همسرش را

متهم به زنا کند و بگوید: من او را در حال زنا دیده‌ام، یا

اینکه شوهر، چنین همسرش را از نطفه خود انکار کند. در

این وضعیت قضیه نزد حاکم برده می‌شود. از شوهر که

مدعی زنا است. گواه خواسته می‌شود، یعنی شوهر چهار

گواه، دایر بر اینکه هر چهار تا زن را در حال زنا با فلان

مرد بیگانه دیده‌اند، ارائه دهد، اگر شوهر نتوانست اقامه

بینه کند، آنگاه قاضی «لعان» را میان متهم و شاکی بدین

شرح به اجرا درمی‌آورد. یعنی شوهر، چهار مرتبه بنام خدا

سوگند خورده بگوید: من او را در حال زنا دیده‌ام یا چهار

مرتبه بنام خدا سوگند خورده بگوید: این حمل که در

شکم او (زن متهم) می‌باشد از من نیست. و دفعه پنجم

بگوید: اگر حرف من دروغ است، لعنت خدا بر من. بعد

اگر همسر به جرم خود اعتراف کند، حد زنا بر وی جاری

می‌شود. و در صورت عدم اعتراف، چهار مرتبه چنین

سوگند بخورد: خدا را گواه می‌گیرم که او (شوهر و

شاکی) مرا در حالت زنا ندیده است، یا اینکه این حمل از

نطفه شوهر است. برای بار پنجم گوید: اگر شوهرم راست

می‌گوید، خشم خدا بر من باد. بعد قاضی حکم تفریق و

جدائی را صادر می‌کند و آن دو برای همیشه بر یکدیگر

حرام می‌شوند. ولی اگر مرد نه سوگند بخورد (لعان نماید)

و نه چهار شاهد نیاورد، در اینصورت بر وی حد تهمت

زنا وارد می‌شود.

از ابن عباس روایت است: هلال بن امیه نزد پیامبر صلی

الله علیه وسلم همسرش را متهم کرد که با شریک بن

سحماء زنا کرده، پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: (البینه

أو حد فی ظهرك) «باید دلیل بیاوری وگرنه حد بر پشت

جاری می‌شود»، گفت: ای رسول خدا! آیا اگر کسی از ما

مردی را روی همسرش دید، می‌رود و شاهد پیدا می‌کند؟!!

پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: (البینه أو حد فی

ظهرك)، شاهد وگرنه حد بر پشت جاری می‌شود، هلال

گفت: قسم به ذاتی که تو را به حق مبعوث کرده است

من راستگو هستم، و حتماً خداوند آیه‌ای نازل خواهد

نمود و پشت مرا از حد نجات خواهد داد، پس جبرئیل

فرود آمد و آیه:

(وَالَّذِينَ يَرْمُونَ أَزْوَاجَهُمْ) را تا (إِنْ كَانَ مِنَ

الصَّادِقِينَ) بر پیامبر صلی الله علیه وسلم نازل کرد،

پیامبر صلی الله علیه وسلم رفت و به دنبال آن زن فرستاد،

هلال آمد و شهادت داد، پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود

: (إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ أَنَّ أَحَدَكُمَا كَاذِبٌ فَهَلْ مِنْكُمَا

تَائِبٌ) «خداوند می‌داند که یکی از شما دروغ می‌گوید آیا

کسی از شما هست که توبه کند؟»، سپس آن زن بلند شد

و شهادت داد، و چون نوبت پنجم شد او رانگه داشتند و به

وی گفتند: این کار لعنت را بر تو واجب می‌کند، ابن

عباس گفت: آن زن کمی درنگ کرد و روی گردانید

بطوریکه گمان کردیم از لعان پشیمان می‌شود (و اقرار

می‌کند)، سپس گفت: بعد از این آبروی خویشاوندانم را نمی‌برم و رفت، پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: **(أَبْصَرُوهَا فَإِنْ جَاءَتْ بِهِ أَحَدُ الْعَيْنِينَ سَابَغَ الْإِلَيْتَيْنِ، خَدَلَ السَّاقَيْنِ، فَهُوَ لِشَرِيكَ بْنِ سَحْمَاءَ، فَجَاءَتْ بِهِ كَذَلِكَ، فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَوْلَا مَا مَضَى مِنْ كِتَابِ اللَّهِ لَكَانَ لِي وَلِهَا شَأْنٌ)** (نگاه کنید اگر بچه‌اش متولد شد و چشمهای سیاه، باسنهای بزرگ، و پاهای پرگوشت داشت، بدانید که آن بچه از شریک بن سحماء است، وقتی بچه را به دنیا آورد به او نگاه کردند و دیدند که به همان شکلی است که پیامبر صلی الله علیه وسلم توصیف کرده بود، پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: اگر به خاطر حکم کتاب خدا نبود که طبق آن، لعان اجرای حد را از زن رفع می‌کند، می‌دانستم با او چه کار کنم». [الإرواء ۲۰۹۸]

۲- مشروعیت لعان: لعان بدلیل آیه زیر مشروع است. خداوند می‌فرماید: **﴿وَالَّذِينَ يَرْمُونَ أَزْوَاجَهُمْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُمْ شُهَدَاءُ إِلَّا أَنْفُسُهُمْ فَشَهَدُوا أَحَدِهِمْ أَرْبَعُ شَهَدَاتٍ بِاللَّهِ إِنَّهُ لَمِنَ الصَّادِقِينَ﴾** ^(۱) **وَالْخَمْسَةَ أَنْ لَعَنْتَ اللَّهَ عَلَيْهِ إِنْ كَانَ مِنَ الْكَاذِبِينَ** ^(۲) **وَيَدْرُؤُا عَنْهَا الْعَذَابَ أَنْ تَشْهَدَ أَرْبَعُ شَهَدَاتٍ بِاللَّهِ إِنَّهُ لَمِنَ الْكَاذِبِينَ** ^(۳) **وَالْخَمْسَةَ أَنْ غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهَا إِنْ كَانَ مِنَ الصَّادِقِينَ** ^(۴) (النور: ۶-۹). «کسانی که همسران خود را متهم می‌کنند و گواهی ندارند، چهار بار سوگند

یاد کرده گواهی بدهند که راست می‌گوید، و دفعه پنجم بگوید: اگر سخن من دروغ است خدا مرا لعن و نفرین کند. و حد از همسر بدینصورت دور کرده شود: چهار بار با یاد کردن سوگند گواهی دهد که سخن شوهر دروغ محض است و برای دفعه پنجم بگوید: اگر حرف شوهر راست است، خشم و غضب خدا، بر من باد». پیامبر صلی الله علیه وسلم میان عویمر عجلانی و همسرش و میان هلال بن امیه و همسرش لعان را به اجراء در آورد است. (صحیح بخاری). و در حدیثی آمده است، رسول اکرم صلی الله علیه وسلم می‌فرماید: **«الْمُتْلَاعَانِ إِذَا تَفَرَّقَا لَا يَجْتَمِعَانِ أَبَدًا»** «زن و شوهری که بوسیله لعان از هم جدا می‌شوند، دیگر هرگز با هم جمع نشوند».

۳- حکمت لعان:

حکمت و فلسفه مشروعیت لعان:

- ۱- صیانت عرض و آبروی زوجین و رعایت حرمت و کرامت مسلمان.
- ۲- برطرف ساختن حد قذف از شوهر و حد زنا از همسر،
- ۳- امکان نفی فرزند یا حمل در صورتی که از نطفه شوهر نباشد.

۴- احکام لعان:

- ۱- زوجین، عاقل و بالغ باشند، زیرا که نابالغ و مجنون مکلف احکام شرع نیستند، رسول الله صلی الله علیه وسلم می‌فرماید: **«رُفِعَ الْقَلَمُ عَنْ ثَلَاثٍ... الْغُ»**
- ۲- شوهر مدعی شود که همسرش را در حال زنا دیده است و در صورت رد و نفی حمل، مدعی شود که با همسرش آمیزش جنسی بطور کلی انجام نداده است یا حد اقل در مدتی که حامله شده انجام نداده است. مثلاً مدعی شود، که همسر من این فرزند را کمتر از مدت شش ماه، زائیده است و در غیر صورتهای فوق، لعان جایز نیست، چون لعان به تهمت و گمان بدون ثبوت شرعی صورت نمی‌گیرد، خداوند می‌فرماید: **﴿يَتَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ﴾** (الحجرات: ۱۲). «ای مؤمنان از بسیاری گمان‌ها بپرهیزید، همانا بسیاری از گمان‌ها، گناه هستند»، رسول الله صلی الله علیه وسلم می‌فرماید: **«إِيَّاكُمْ وَالظَّنَّ»** «از گمان خود را بر حذر دارید». (متفق علیه).
- ۳- ملاعنه در انظار توده مسلمانان صورت گیرد و با الفاظ و کلماتی که در قرآن در بحث لعان آمده‌اند، باجاء در آید.
- ۴- قاضی، شوهر را با کلماتی که رسول الله صلی الله علیه وسلم در این خصوص فرموده است، نصیحت کند، و آن کلمات چنین‌اند، **«وَأَيُّمَا رَجُلٍ جَدَّ وَلَدَهُ وَهُوَ يَنْظُرُ إِلَيْهِ احْتَجَبَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مِنْهُ وَفَضَحَهُ عَلَى رَعُوسِ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ»** (ابوداود،

نسائی و ابی ماجه). «هر شخص که فرزندش را از خود نفی کند در حالی که فرزند بسوی او نگاه کند خداوند از آن شخص خود را پنهان می‌کند و در انتظار اولین و آخرین او را رسوا خواهد نمود». همسر را نیز با کلماتی که رسول الله صلی الله علیه وسلم در این باره فرموده است، نصیحت کند، و آن کلمات چنین‌اند: «**أَيُّمَا امْرَأَةً أَدْخَلْتَ عَلَى قَوْمٍ مِّنْ لَّيْسَ مِنْهُمْ فَلَيْسَتْ مِنْ اللَّهِ فِي شَيْءٍ وَلَنْ يَدْخُلَهَا اللَّهُ جَنَّتُهُ**» «هر زنی که فرزند نامشروعی را از بیگانه داخل فامیلی کند، خداوند از وی بیزار است و او را به بهشت، راه نخواهد داد».

۵- فرزند از شوهری که لعان می‌کند، متنفی می‌شود و احکام میراث میان فرزند و لعان کننده جاری نمی‌شوند، شخص لعان کننده بر این فرزند انفاق نمی‌کند، اما در موارد احتیاط مانند فرزند باوی معامله می‌شود، زکات باو داده نشود، و میان این فرزند و سایر فرزندان شخص لعان کننده محرمیت ثابت می‌شود، میان او و شخص ملاعن قصاص جاری نمی‌شود و آن دو (فرزند نفی شده و پدر ملاعن) نمی‌توانند برای یکدیگر گواهی بدهند. نسب این فرزند از مادرش ثابت می‌شود، و از همدیگر ارث می‌برند، رسول اکرم صلی الله علیه وسلم در باره فرزند متلاعنین (زن و شوهری که با هم لعان کرده‌اند) چنین قضاوت کرده است: «**إِنَّهُ يَرِثُ أُمَّهُ وَتَرِثُهُ**» او از مادرش و مادر از او میراث می‌برد. (احمد، سندش محل کلام است و نزد جمهور معمول به است).

۶- اگر بعدا شوهر خود را تکذیب نمود، نسب فرزند از وی ثابت می‌گردد.

بعبارتی دیگر هرگاه زن و شوهر ملاعنه کردند، با لعنت کردنشان احکام زیر اجرا شود :

۱- جدایی بین آن دو :

به دلیل حدیث ابن عمر که گفت : (**لَاعَنَ النَّبِيُّ (ص) بَيْنَ رَجُلٍ وَامْرَأَةٍ مِنَ الْأَنْصَارِ وَفَرَّقَ بَيْنَهُمَا**) «پیامبر صلی الله علیه وسلم زن و مردی از انصار را ملاعنه داد و آنها را از هم جدا کرد». متفق علیه

۲- تحریر ابد :

به دلیل قوم سهل بن سعد : (**مَضَتْ السَّنَةُ فِي الْمُتْلَاعِنِينَ أَنْ يَفْرُقَ بَيْنَهُمَا، ثُمَّ لَا يَجْتَمِعَانِ أَبَدًا**) «سنت درباره زن و مردی که لعان کنند، این است که بین آنها جدایی انداخته شود و هرگز نتوانند دوباره با هم ازدواج کنند». [الإرواء ۲۱۰۴]

۳- زن لعان کننده با لعان مستحق مهریه‌اش می‌گردد :

به دلیل حدیث ایوب از سعید بن جبیر که گفت : «به ابن عمر گفتم (حکم) مردی که همسرش را به زنا متهم می‌کند چیست؟ گفت : پیامبر صلی الله علیه وسلم بین زن و مردی از بنی عجلان جدایی انداخت و فرمود : (**اللَّهُ يَعْلَمُ أَنْ أَحَدَكُمَا لَكَاذِبٌ فَهَلْ مِنْكُمَا تَائِبٌ**) «خداوند می‌داند که یکی از شما دروغ می‌گوید. آیا کس

از شما هست که توبه کند؟» آندو سرباز زدند. پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود : (**اللَّهُ يَعْلَمُ أَنْ أَحَدَكُمَا لَكَاذِبٌ، فَهَلْ مِنْكُمَا تَائِبٌ؟**)، «خداوند می‌داند که یکی از شما دروغ می‌گوید. آیا کسی از شما هست که توبه کند؟» باز هم سرباز زدند پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود : (**اللَّهُ يَعْلَمُ أَنْ أَحَدَكُمَا لَكَاذِبٌ، فَهَلْ مِنْكُمَا تَائِبٌ؟**) دوباره آندو سرباز زدند و در نتیجه پیامبر صلی الله علیه وسلم آنها را از هم جدا کرد.

ایوب گوید : عمرو بن دینار به من گفت : چیزی در این حدیث هست که نگفته‌ای، (عمرو) گفت : آن مرد پرسید : پس مالم چی؟ گوید : پیامبر فرمود: (**لَا مَالَ لَكَ إِنْ كُنْتَ صَادِقًا فَقَدْ دَخَلْتَ بَهَاءَ وَ إِنْ كَانَتْ كَاذِبًا فَهُوَ أَبْعَدُ مِنْكَ**) «هیچ مالی به تو تعلق نمی‌گیرد چون اگر در ادعایت صادق باشی آن مال حقی است که به واسطه نزدیکی با زنت از آن او است و اگر دروغ گفته باشی به طریق اولی مال به تو تعلق نمی‌گیرد». متفق علیه

۴- بچه‌ای که از زن لعان کننده متولد شود، به او داده می‌شود :

به دلیل حدیث ابن عمر : (**أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَاعَنَ بَيْنَ رَجُلٍ وَامْرَأَتِهِ، فَانْتَفَى مِنْ وَلَدِهَا، فَفَرَّقَ بَيْنَهُمَا وَ أَحْلَقَ الْوَلَدَ بِالْمَرْءِ**) «پیامبر صلی الله علیه وسلم بین زن و شوهری ملاعنه داد، مرد فرزند زنش را از خود نفی کرد، پیامبر صلی الله علیه وسلم آنها را از هم جدا کرد و فرزند را به زن داد». متفق علیه

۵- ثبوت ارث بین زن ملاحنه و فرزندش :

به دلیل قول ابن شهاب در حدیث سهل بن سعد :
(فَكَانَتِ السَّنَةُ بَعْدَهُمَا أَنْ يَفْرُقَ بَيْنَ الْمُتَلَاعِنِينَ،
وَ كَانَتْ حَامِلًا، وَ كَانَ ابْنُهَا يَدْعِي لَأُمِّهِ) قَالَ : (ثُمَّ
جَرَتْ السَّنَةُ فِي مِيرَاثِهَا أَنْهَا تَرْتِثُ، وَ يَرِثُ مِنْهَا مَا
فَرَضَ اللَّهُ لَهُ) «بعد از (لعان آن زن و شوهر) سنت بر
ایتشیت گردید که زن و مرد متلاعن از هم جدا شوند و
اگر آن زن حامله بود، فرزندش به مادرش نسبت داده
می شود» گفت «سپس سنت درباره میراث زن بر این است
که زن از فرزندش، و فرزند او به اندازه ای که خداوند
تعیین کرده است، ارث ببرد». متفق علیه

ظهار و احکام آن

سوگند ظهار:

تعریف، حکم شرعی، شروط و آثار و کفاره و پایان حکم
ظهار.

تعریف ظهار: ظهار آن است که مردی همسرش را به
یکی از زنان محرم خود - زنانی که ازدواج با آنها مطلقاً و
برای همیشه به خاطر خویشاوندی و یا شیرخوارگی یا
خویشاوندی سبب حرام است - تشبیه کند.

حکم شرعی: ظهار به اتفاق علما حرام است و انجام
دهنده آن دچار معصیت می شود؛ زیرا خداوند متعال در
این باره فرموده اند:

« وَمَا جَعَلَ أَزْوَاجَكُمْ اللَّائِي تُظَاهِرُونَ مِنْهُنَّ أُمَّهَاتِكُمْ »
(الاحزاب / ۴)

«آن همسرانی را که مورد «ظهار» قرار می دهید، مادران
شما ننگردانیده است».

شروط ظهار

این است که از شوهری بالغ، مسلمان (در رأی حنفیه و
مالکیه) و مختار (در رأی اکثریت) و با میل و اراده
خویش، در مورد همسری مسلمان یا اهل کتاب خردسال
یا بزرگسال با لفظی صریح و یا کنایه جاری شود. لفظ
صریح مانند این که مرد به همسرش بگوید: تو به جای
مادرم هستی و کنایه مثل این که بگوید: تو به مادرم
شباهت داری. اما در کنایه باید قصد و نیت ظهار وجود
داشته باشد.

لازم به یادآوری است که ظهار زن نسبت به مرد معتبر
نیست. مثلاً اگر زنی خطاب به شوهرش بگوید: تو
هم چون برادرم هستی، لغو و بی اعتبار است، اما امام احمد
کفاره ظهار را بر زنی که چنین بگوید واجب می داند؛ زیرا
سخن ناپسند و نادرستی را گفته است.

پیامدهای ظهار

۱- اکثر علما اتفاق نظر دارند که قبل از دادن کفاره، ارتباط
زناشویی و همبستری و مقدمات آن و نگاه شهوت آمیز به
همسر حرام است، اما شافعیه رأیشان بر این است که فقط
عمل زناشویی در حال ظهار و قبل از کفاره حرام است؛
زیرا خداوند متعال در این باره می فرماید:

«وَالَّذِينَ يُظَاهِرُونَ مِنْ نِسَائِهِمْ ثُمَّ يَعُودُونَ لِمَا قَالُوا
فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَتَمَاسَا» (المجادله: ۳). «کسانی

که زنان شان را ظهار می کنند، و سپس از آن چه گفته اند
پشیمان می شوند. برای شان فرض است که پیش از
همبستری بنده ای را آزاد نمایند...».

چنانچه پیش از کفاره زن و شوهر با یکدیگر همبستر
شوند، باید توبه و استغفار بنمایند و به جز کفاره دادن چیز
دیگری بر آنان واجب نمی شود؛ زیرا رسول خدا صلی الله
علیه وسلم خطاب به مردی که پیش از کفاره با همسرش
همبستر شده بود فرمود:

«قبل از عملی نمودن آنچه خداوند تو را به آن دستور
داده، بار دیگر با او همبستر مشو». (اصحاب السنن)

۲- همسر می تواند از شوهرش خواهان همبستری بشود؛
زیرا این جزو حقوق مسلم اوست و چنانچه کارشان به
محکمه و دادگاه کشانیده بشود، قاضی شوهر را در ارتباط
عمل زناشویی با همسرش به دادن کفاره مجبور می نماید
و چنانچه حاضر به این کار نشود، قاضی به جدایی میان
آنها حکم می نماید.

۳- ظهار سبب قطع روابط زن و شوهر نمی شود؛ زیرا
ظهار چیزی نیست که مانند طلاق سبب جدایی میان زن و
شوهر بشود.

۴- شریعت اسلام بر کسی که اقدام به ظهار نموده،
کفاره ای را واجب گردانیده، اما در زمان جاهلیت چنین
نبوده و به محض ظهار، زن برای همیشه نسبت به
شوهرش حرام می گشت. کفاره ظهار بر اساس آیه ۲ و ۴
سوره المجادله به ترتیب یکی از سه مورد زیر است:

آزاد نمودن یک نفر برده قبل از عمل زناشویی، یا دو ماه روزه پشت سر هم، و یا اگر هیچ‌یک از آنها را نتوانست، باید به شصت نفر مستمند غذا بدهد.

پایان حکمظهار: حکمظهار از این نظر که موقت باشد یا مؤبد، پایان‌پذیر است.

الف- اظهار موقت: اگر مردی خطاب به همسرش بگوید: «برای مدت یک روز یا یک ماه یا یک سال تو هم‌چون مادرم خواهی بود». اکثریت علما بر این باورند که، پس از پایان یافتن آن مدت بدون نیاز به دادن کفاره حکمظهار نیز خاتمه می‌یابد.

ب-ظهار مؤبد: حکمظهار مطلق یا مؤبد به اتفاق علما پس از تصمیم نقض، کفاره و یا پس از سپری شدن آن و طلاق پایان می‌پذیرد؛ زیرا بقای حکم بدون محکوم علیه معنا ندارد.

**وصلی الله وسلم علی نبیها محمد وعلی آله
وصحبه أجمعین.**